

Structure of Political Participation Terms and Levels in The Qur'an

Ali Aghajani¹

ABSTRACT

Although political participation in the Qur'an is less directly addressed, but it can be indirectly and implicitly inferred through a thematic interpretation based on some similar concepts and components. Therefore, the main research question is: What are the terms (units) and the levels of political participation in the Holy Qur'an? The research aims to prove the fact that the Holy Qur'an has paid attention enough to all existing and possible units and contexts at the micro and macro levels in order to maximize political participation. Accordingly, what we call units "zhurouf" indicate the terms of political participation analysis, and these terms can be classified under the context of political terms into following: fi'ah (group), ta'ifah (sect), qabilah (tribe), qawm (nation), ahl al-qaryah, ahl al-medinah, ummah, faithful people and human society, among which the faithful people, e.i. the expression of 'O you who have believed' is the most one to involve political participation.

Political participation levels can also be constructed in the three forms of political participation of the masses, the general public, elites, parties and groups. The holy Qur'an emphasizes maximum participation at all levels by taking into account the previous flexible criteria. The political participation of the masses is based on Qur'anic sermons, and the political participation of the elites takes two forms, individual and collective, and the individual form, with the exception of the prophets, is envisioned in the elite front of truth and falsehood. The collective form is also envisioned in positive and negative elite councils and groups. The relevant verses show that the Qur'an considers political participation as the truth and reality. Among the features of Qur'anic political participation are the efficiency of the political system, regular access to it, balanced and proportional distribution of power, increase of trust between the government and the nation, and the realization of rights and transmission of political demands to the government.

KEYWORDS: Political Participation Terms/Units, Political Participation Levels, Political-Thematic Interpretation of the Qur'an, Religious Democracy.

1- Assistant Professor, Department of Political Science, Research Institute and University, Qom, Iran, aqajani@rihu.ac.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

20.1001.1.27833542.1402.3.3.4.2

10.22034/arq.2023.187988



نوع مقاله: پژوهشی

صورت‌بندی ظروف و سطوح مشارکت سیاسی در قرآن

علی آقاجانی^۱

چکیده

مشارکت سیاسی در قرآن اگر چه کمتر به شکل مستقیم و مطابقی به عنوان مشارکت سیاسی مورد خطاب است، اما به طور غیر مستقیم و التزامی می‌توان بر اساس تفسیر موضوعی آن را بر پایه برخی مفاهیم و مؤلفه‌های هم‌افق استنتاج نمود. بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق آن است که ظروف و سطوح مشارکت سیاسی در قرآن کدامند؟ پژوهش بر پایه روش تفسیر موضوعی بر آن است که قرآن در جهت حداکثر سازی مشارکت سیاسی به تمامی واحدها و سطوح موجود و ممکن در سطح خرد و کلان توجه نشان داده است. بر این اساس ظروف مشارکت سیاسی اشاره به واحد تحلیل و ظرف وقوع مشارکت سیاسی دارد و این ظروف را می‌توان در واحدهای سیاسی فته، طائفه، قبیله، قوم، اهل قریه، اهل مدینه، امت و جامعه ایمانی و جامعه انسانی دسته‌بندی کرد که بیشترین ظرفی که متضمن مشارکت سیاسی است جامعه ایمانی و خطاب یا ایها الذین امنوا است. سطوح مشارکت سیاسی را نیز در سه شکل مشارکت سیاسی توده‌ها و عموم مردم، نخبگان، احزاب و گروه‌ها می‌توان صورت‌بندی کرد و قرآن در تمامی سطوح بر مشارکت حداکثری با رعایت ضوابط منعطف پیشینی تأکید دارد. مشارکت سیاسی توده‌ها ابتدا بر خطابات قرآنی دارد و مشارکت سیاسی نخبگان در دو شکل فردی و جمعی است که شکل فردی به جز انبیا، متصور در شخصیت‌های نخبگانی جبهه حق و باطل است و شکل جمعی نیز در مجامع و گروه‌های نخبگانی مثبت و منفی متصور است. آیات مربوطه نشان‌دهنده آن است که قرآن مشارکت سیاسی

فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی

۷۵

سال سوم

شماره سوم

پیاپی: ۱۱

پاییز ۱۴۰۲



صفحه ۵۷۴ تا ۱۰۰

نشانی الکترونیکی: <https://arq.quran.ac.ir>
۲۷۸۳-۲۵۴۲

۱- استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. aqajani@rihu.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

را به مثابه حق و واقع در نظر می‌گیرد. کارویژه‌های مشارکت سیاسی قرآنی موجب کارآمدی نظام سیاسی، قاعده‌مندسازی ورود در آن، تقسیم متوازن و متناسب قدرت، افزایش اعتماد میان دولت و ملت و احقاق حق و انتقال خواست‌های سیاسی به دولت است.

کلیدواژگان: ظروف مشارکت سیاسی، سطوح مشارکت سیاسی، تفسیر سیاسی-موضوعی قرآن، مردم‌سالاری دینی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

مشارکت سیاسی (political participation) در جامعه ایران یکی از مسائل پراهمیت مورد نیاز و معرکه آرا هم در ساحت نظر و هم در صحنه عمل در جامعه ایرانی و در دوره معاصر به ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در این‌باره دیدگاه‌های گوناگونی از آبخوره‌های فکری متفاوت ارائه شده است. از آن جا که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در پی احیای تمدن اسلامی و ارائه رویکردی متفاوت از سایر رویکردهای بدیل است؛ بحث مشارکت سیاسی به عنوان یکی از دقایق مهم و گلوگاه‌های حساس این رویکرد، لازم است از جوانب مختلف مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا رویکرد مشارکت سیاسی قرآنی و اسلامی از رویکردهای بدیل سکولاریستی و لیبرالیستی مشخص و منفک گردد. این در حالی است که اصلی‌ترین منبع الهام، قرآن کریم است. بر همین اساس بررسی آیات مربوط به مشارکت سیاسی و زیرمجموعه‌های مرتبط با آن می‌تواند برای گره‌گشایی نظری و عملی در نظام جمهوری اسلامی مؤثر افتد. محور اساسی بحث ساختار صورت‌بندی ظروف و مخاطبان مشارکت سیاسی در قرآن است. همچنین مشارکت سیاسی در قرآن به مثابه حق و واقع به دلایل مختلف از جمله به سبب توجه بیشتر به آیات ولایت، کمتر توسط پژوهشگران مورد تمرکز قرار گرفته است که در این مقاله به‌طور نسبی مورد تمرکز است. بر این اساس سؤال اصلی تحقیق آن است که ظروف و سطوح مشارکت سیاسی در قرآن چیست؟ فرضیه پژوهش آن است که ظروف مشارکت سیاسی اشاره به واحد تحلیل و ظرف وقوع مشارکت سیاسی دارد و قرآن در جهت حداکثرسازی مشارکت سیاسی به تمامی واحدها و مخاطبان موجود و ممکن در سطح خرد و کلان توجه نشان داده است. نیز در پاسخ به پرسش از سطوح مخاطبان مشارکت

سیاسی در قرآن فرضیه مقاله بر این مبنا استوار است که بر پایه روش تفسیر موضوعی حاملان و مخاطبان مشارکت سیاسی را در سه شکل مشارکت سیاسی توده‌ها و عموم مردم، نخبگان و گروه‌ها و احزاب می‌توان صورت‌بندی کرد و قرآن در تمامی سطوح بر مشارکت حداکثری با رعایت ضوابط منعطف پیشینی تأکید دارد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره مشارکت سیاسی در قرآن و تفاسیر مقالات محدودی وجود دارد؛ مانند مقاله «حق مشارکت شهروندان و آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم» (سید باقری، ۱۳۹۷) که مشارکت سیاسی و نقش آن در آزادی را در سه مرحله رصد کرده است. مقاله دیگر نیز «مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن و روایات» (یزدانی، ۱۳۹۷) که این دو مقاله مستقیم مرتبط با موضوع پژوهش‌اند ولی اثری به‌صورت مستقل بسیار محدود است.

در سال‌های اخیر سه کتاب به بازار نشر آمده است که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش دارند، اما جامعیت پژوهش حاضر را در موضوع ندارند. هرچند به قرآن استناداتی دارند، ولی معطوف به قرآن نیستند. کتاب *مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه* (ایزدهی، ۱۳۹۶) نخستین و جدی‌ترین آن است در این زمینه به شمار می‌رود و توصیفی فقهی از مشارکت سیاسی ذیل دو نظام سیاسی مشروع و نامشروع به دست داده است. کتاب *شاخص مشارکت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی* (خلوصی، ۱۳۹۵) کتاب دیگری است که به چاپ رسیده است. کتاب *راهکارهای فقه سیاسی شیعه برای گسترش مشارکت سیاسی* (رحمانی، ۱۳۹۴) که در این پژوهش، الگوها و راهکارهای مشارکت سیاسی با نگاه فقه سیاسی شیعه بررسی شده است، اما در هیچ‌کدام از منظر قرآنی و تفسیری به‌ویژه به بحث ظروف و سطوح مشارکت سیاسی در قرآن پرداخته‌اند. از این رو در مجموع نوآوری این تحقیق آن است که تلاش کرده است تا در حد امکان به‌صورت جامع سطوح و ظروف مشارکت سیاسی در قرآن را بررسی نماید.

۳. چارچوب روشی پژوهش

پژوهش از روش تفسیر موضوعی استفاده می‌کند. در تفسیر موضوعی تلاش اجتهادی در جهت تبیین موضوع یا عنوان خاص قرآنی صورت می‌گیرد که

پژوهش حاضر از این مقوله است.

درباره تفسیر موضوعی، تعاریف مختلفی مطرح شده است. سید محمدباقر صدر در تبیین تفسیر موضوعی بر آن است که در این روش مفسر آیات قرآن را آیه به آیه همانند تجزیه‌ای بررسی نمی‌کند، بلکه مفسر می‌کوشد تحقیقات خود را روی یک موضوع از موضوعات زندگی، ایدئولوژیکی، اجتماعی یا جهان‌بینی که قرآن متعرض آن شده، متمرکز سازد و آن را تبیین و تحقیق و مطالعه نماید. (صدر، بی‌تا: ۱۲). برخی دیگر آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند، «علمی که درباره قضایای قرآنی که از لحاظ معنا یا غایت با هم متحدند بحث می‌کند. از طریق گردآوری آیات متفرقه و تأمل در آن‌ها با روش مخصوص و با شروط خاص برای بیان آیات و استخراج عناصر قرآن و ربط آیات با یکدیگر» (عبدالستار، ۱۴۱۸ ق: ۱۲۲) تعاریف مختلف دیگری نیز صورت گرفته است. (سبحانی، ۱۴۲۷ ق، ۱۱: ۱؛ مسلم، ۱۴۲۱ ق: ۱۶؛ مرویان، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

اما تعریف مختار پژوهش از تفسیر موضوعی با استفاده از برخی دیدگاه‌ها (جلیلی، ۱۳۷۲: ۱۷۰) چنین است «کوششی است استنتاجی در فهم روشمند نظر قرآن در سایه گردآوری مبتنی بر تئوری آیات پیرامون مسائل و موضوعات زنده علمی و نظری برخاسته از معارف بشری که از لحاظ معنا یا غایت با هم متحدند و انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن خصوص داشته باشد». بدین جهت در کاوش و تحقیق پدیده مشارکت سیاسی به‌عنوان موضوع تفسیر موضوعی علاوه بر نصوص و آیات قرآنی که محور اصلی بحث هستند به معارف عصری مراجعه خواهد شد و دیدگاه نویسنده بیان می‌گردد.

۴. مفهوم شناسی

مشارکت سیاسی: تعاریف و نگره‌های مختلفی از مشارکت سیاسی نزد اندیشه‌ورزان علوم سیاسی وجود دارد. با این حال اشتراک در برخی مؤلفه‌ها وجود دارد. مشارکت سیاسی با نظریه‌های مهمی در ارتباط است و این نظریه‌ها دامنه مشارکت سیاسی را دچار قبض و بسط می‌کنند. نظریه نخبه‌گرایی (Elit-ism theory) مشارکت سیاسی قابل توجه را به نخبگان محدود و محصور می‌کند و توده‌ها را عمدتاً غیرفعال یا ابزار دست نخبگان می‌داند. نظریه کثرت‌گرایی (pluralism theory)، مشارکت سیاسی را کلید رفتار سیاسی می‌داند؛ زیرا عامل مهمی در تبیین توزیع قدرت و تعیین سیاست‌هاست. این دیدگاه اگر از محمل

پلورالیستی مطلق و معرفت‌شناختی آن که از نظر اسلامی نامقبول است، منفک گردد و به فرایندهای سیاسی محدود گردد، می‌تواند مفید فایده باشد. در نظریه‌های مارکسیستی نیز مشارکت سیاسی اهمیت دارد، اما اشکال این رویکرد سرشت طبقاتی و توجه افراطی به ساختارها و غفلت از عینیت کارگزار است. بر این اساس تعاریف مختلفی از مشارکت سیاسی وجود دارد (فیرحی، ۱۳۷۷: ۴۴؛ مصفا، ۱۳۷۵: ۹؛ علیخانی، ۱۳۷۷: ۶۱). لوسین پای (Lucian Pye) آن را «مشارکت سیاسی، هر عمل داوطلبانه موفّق یا ناموفّق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر که شامل به‌کارگیری روش‌های قانونی یا غیرقانونی برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی می‌باشد» (پای، ۱۳۷۰: ۴۲). در تعریف راش (Michael Rush) «مشارکت سیاسی درگیرشان فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی، است» (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). تعریف مختار آن است که مشارکت سیاسی به معنای شرکت فعالانه و اغلب آگاهانه افراد جامعه به‌صورت فردی یا جمعی در عرصه عمومی و فرایند نفوذ اجتماعی و اعمال قدرت، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا به‌صورت حمایتی، نظارتی و رقابتی است.

ظروف: واحدها و ظروف مشارکت سیاسی در قرآن یعنی الفاظ و اصطلاحاتی که ظرف و میدان مشارکت سیاسی بوده و در قرآن مورد استعمال، توجه یا خطاب واقع‌شده و جمعی سیاسی اجتماعی را دربردارند و برسازنده واحدی سیاسی‌اند. در اینجا ذکر و بررسی آنها تنها به‌منظور احصای این ظروف و اصطلاحات در قرآن است.

سطوح: جهت تعیین سطوح تخاطب قرآن در مشارکت سیاسی، نیازمند استقرا در قرآن هستیم تا مشخص شود که چه سطوحی از مشارکت سیاسی در قرآن وجود دارد. استقرا به معنای تتبع، تفحص، یکی از شیوه‌های منطقی تحدید مفاهیم و اصطلاحات است. معمولاً استقرا را به دو قسم تقسیم می‌کنند: ۱. استقرای تام. ۲. استقرای ناقص. ابن‌سینا با تعریف استقرا، دو قسم تام و ناقص (ابن‌سینا، ۱۳۶۴: ۱۰۶) را چنین بیان می‌کند: «استقرا عبارت است از حکم کردن بر یک کلی از آن روی که این حکم در جزئیات آن کلی موجود است یا در همه جزئیات آن کلی — و این را استقرای تام خوانند — یا در بیشتر جزئیات آن کلی — و این استقرای مشهور است».

در اینجا شاید بتوانیم از استقرای تام هم سخن بگوییم، اما ادعای خود را در حیطه استقرای ناقص محدود می‌سازیم. بر این اساس با تفحص در قرآن دریافتیم که سطوح مشارکت سیاسی را در سه سطح مشارکت سیاسی توده‌ها و عموم مردم، مشارکت سیاسی نخبگان به دو شکل کنش سیاسی جمعی و فردی نخبگان و مشارکت سیاسی گروه‌ها و احزاب می‌توان صورت‌بندی کرد.

۵. بحث و نظر

الف) واکاوی ظروف مشارکت سیاسی در قرآن

نخستین مسئله در نگرش به مشارکت سیاسی، واحد و ظرف مشارکت سیاسی است. بدین معنا که مشارکت سیاسی در چه واحد سیاسی رخ می‌دهد و ظرف خطاب قرآن چیست و واحد سیاسی خرد است یا کلان و میزان گستردگی و دربرگیرندگی آنچه میزان است؟ یا آن واحد سیاسی از چه میزان بساطت یا پیچیدگی برخوردار است؟ بررسی خطاب‌های قرآن به واحدهای سیاسی که از حیث عرض و طول و عمق کمی و کیفی متفاوت‌اند در واقع ظروف، واحدهای مشارکت سیاسی قرآنی را مشخص می‌سازد و گستره مشارکت قرآنی را نشان می‌دهد. ممکن است این آیات دلالت صریح یا ضمنی یا التزامی بر مشارکت سیاسی داشته باشند یا نداشته باشند. البته تلاش می‌شود تا سرحد امکان به توضیح آیاتی پرداخته شود که به نوعی مرتبط با مشارکت سیاسی یا حداقل اجتماعی‌اند.

فته: اولین مورد از واحدها و ظروف مشارکت سیاسی در قرآن را می‌توان کلمه فته دانست. فته را گروه، جماعت، فرقه و لشکر گفته‌اند (ابن عاشور، بی‌تا: ۳۵). این واژه ۶ بار در قرآن به کار رفته است (بقره: ۲۴۹؛ انفال: ۴۵، ۱۶؛ قصص: ۸۱؛ آل‌عمران: ۱۳؛ کهف: ۴۳) که آیات ۲۴۹ بقره و ۱۳ آل‌عمران در این میان بیشترین ارتباط را دارند.

اکثر موارد کاربرد این واژه سیاسی است. بارزترین آن که کاملاً مرتبط با مشارکت سیاسی است آیه ۲۴۹ بقره است که درباره جنگ سپاه طالوت با جالوت است: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». این آیه حاکی از تأثیر مشارکت نیروی کم شمار پرتوان و با روحیه بالا در صحنه‌های مختلف است. مورد و شأن نزول آیه که جهاد و مواجهه سپاه طالوت و جالوت است و نیز فحوای عبارت کاملاً سیاسی است و اشاره به تفوق مشارکت سیاسی کیفی بر مشارکت سیاسی کمی دارد.

طائفه: طائفه دومین ظرف مشارکت سیاسی در قرآن است که از ریشه طوف به معنای راه رفتن و چرخیدن به دور چیزی چه مادی و چه غیرمادی است. اسم فاعل این ماده نیز «طائف» به معنای چیزی یا کسی است که به دور چیزی می‌گردد و در برخی موارد، نشان‌دهنده سلطه و نفوذ آن بر چیزی است که حول آن می‌گردد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۷: ۱۴۲ - ۱۴۳). بر این پایه طائفه به معنای جماعت، گروه و دسته است (طریحی، ۱۴۱۶ ق، ۵: ۹۰). طبق نظر لغت‌شناسان اطلاق طائفه از یک نفر تا بیشتر را شامل می‌شود (طریحی، ۱۴۱۶ ق، ۵: ۹۰). گرچه به لحاظ عرف بر چندین نفر اطلاق می‌گردد و جماعت فراوانی را در برمی‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۳۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۵: ۷۹؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ۶: ۱۱۶).

طائفه در قرآن کریم ۲۲ مرتبه به کاررفته است که اکثریت آن در مسائل اجتماعی و سیاسی و برخی درباره مشارکت اجتماعی و سیاسی است؛ مانند آیه ۴ قصص که واجد بار سیاسی است، اما ظرف مشارکت سیاسی نیست: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» که در این آیه طایفه جمع متشکل و به هم پیوند خورده‌ای است که واجد بار سیاسی است و مشارکت سیاسی تحت آن صورت می‌گیرد. نیز از تحقیر و بزرگ‌نمایی دو طایفه از مردم توسط فرعون به جهت برخوردها و سوابق سیاسی اجتماعی و سخن می‌گوید، اما موارد قابل توجهی از کاربرد سیاسی مرتبط با مشارکت سیاسی است. مثلاً آیه ۱۵۴ آل عمران «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَاعَسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ» که آیه مربوط به جنگ احد و نحوه و کیفیت مشارکت دو گروه مختلف با نیاتی متفاوت در صحنه جهاد است. همچنین آیه ۱۰۲ نسا که درباره نحوه مشارکت گروهی هنگام جهاد برای اقامه نماز و دفاع در مقابل دشمن است. در این آیه با پردازش عبارت طایفه مشارکت متناوب گروه‌هایی از مؤمنان در امری سیاسی با ذکر جزئیاتش (فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ... وَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لِمَ يَصُلُّوا) یعنی نماز هنگام جنگ بیان‌شده است. همچنین آیه ۹ سوره حجرات که از جدال و درگیری دو گروه از مؤمنان و نحوه برخورد با آنان سخن می‌راند که مشارکت سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد (وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا...). در هر حال و بر این اساس طایفه یکی از ظروف و

واحد‌هایی در قرآن است که مسیر و مجرای مشارکت سیاسی محسوب می‌شود. **قبیله** (tribe): قبیله یکی از واحدهای سیاسی مرسوم و اصلی در عصر نزول و پس‌از آن است که مبتنی بر عصیبت نسبت به نژاد و خون بوده است (جولیوس و کولب، ۱۳۷۶: ۶۵۶). قبیله در دنیای قدیم حالتی شبه دولت و یکی از واحدهای سیاسی محسوب می‌شود که بسیاری مواقع جنین شکل‌گیری دولت‌شهر و فراتر از آن نیز بوده است؛ از این رو واحد و ظرف مشارکت سیاسی تلقی می‌شود. در قرآن جمع قبیله یعنی واژه قبائل وجود دارد که تنها یک‌بار در آیه ۱۳ سوره حجرات استفاده شده است و دلالت بر دیدگاه اثباتی قرآن نسبت به تنوع و تعدد جامعه بشری دارد که اگرچه نه به نحو صریح اما به نحو التزامی بر مشارکت‌پذیری اجتماعی و سیاسی دلالت دارد. آیه چنین است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» این آیه بر مشارکت صنوف و شعوب و قبائل و گروه‌های گوناگون قومی، فرهنگی و اجتماعی در امور اجتماعی و سیاسی با وجود تفاوت‌ها و تمایزات مختلف البته بر پایه تقوا، ایمان و عمل صالح دلالت می‌کند. عبارت «جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» که تعدد و تکثر را به خداوند منتسب می‌سازد شاهد مثال است. به‌رحال استناد اصلی به شعوب و قبیله و جمع آن قبایل در قرآن به‌عنوان ظرف مشارکت سیاسی است.

قوم: قوم مصدر قام یکی از ظروف و واحدهای مشارکت سیاسی محسوب می‌شود که اصطلاحی هم‌تراز قبیله است و در قدیم شبه‌دولت به شمار می‌آمده است. گفته‌شده قوم به معنی مردان است و شامل زنان نیست و از لفظ خود مفرد ندارد، اما زنان چون تابع مردان‌اند داخل آن می‌شوند (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق، ۱۲: ۴۹۶) اما به لحاظ اصطلاحی دربرگیرنده هر دو است. گروه‌های قومی اغلب دارای مشترکات فرهنگی، زبانی، رفتاری و مذهبی هستند. در قرآن منظور از قوم جماعتی از مردان و زنان‌اند و به‌جز یک مورد (حجرات: ۱۱) که احتمالاً زنان داخل نیستند در بقیه موارد آنان را در برمی‌گیرد. مشتقات گوناگون قوم ۲۳۷ بار در قرآن استعمال شده است که از این میزان نزدیک به ۵۰ مرتبه آن خطاب «یا قوم» است و در بسیاری از موارد درباره مسائل سیاسی اجتماعی و از میان موارد قابل توجهی خاص مشارکت سیاسی است. همچنین از آنجا که اصل حرکت انبیا و صالحان در نفی شرک و دعوت به توحید و معاد و عمل صالح دارای ماهیت سیاسی تلقی می‌شود خطاب انبیا به قوم خود در این جهت را

نیز که در آیات بسیاری آمده است می‌توان امری سیاسی و مشارکتی اجتماعی سیاسی محسوب داشت. البته خطاباتاتی که در آن کنش خاص سیاسی طلبیده می‌شود دلالت تامی بر مشارکت سیاسی دارد.

در قرآن بیشتر قوم به افراد اضافه شده است؛ مانند قوم موسی یا قوم فرعون که منظور خویشان و یاران و همراهان است که به‌جز دلالت سیاسی دلالت نژادی و خونی هم دارد. در اکثر موارد هم با حرف ندا آمده است. به‌طور نمونه در آیه ۵۴ بقره موسی از قوم خویش «يَا قَوْمِ إِنكُمْ» به‌واسطه پرستش گوساله سامری «إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلِ» دعوت به مشارکت در توبه «فَتُوبُوا إِلَى بَارئِكُمْ» و جنگیدن با خودشان «فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» به جهت سزای آن عمل خبط می‌نماید. همچنین در آیه ۲۱ سوره مائده موسی از قوم و تبار خویش خواستار مشارکت فعال در ورود به سرزمین مقدس و جان‌فشانی برای آن دارد: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» در آیه ۳۰ هود درخواست یاری و همکاری شده است. در آیه ۵۲ هود درخواست توبه همگانی موسی از قومش که موجب قوت و قدرتمندی آنان می‌گردد و به‌ویژه پرهیز آنان از نابکاری و عصیان «وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» در واقع نوعی طلب مشارکت تلقی می‌شود. در ۶۳ هود درخواست نصرت و در ۹۰ طه درخواست اطاعت و تبعیت «فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي» قوم مطرح شده است. هم‌چنین در برخی آیات دیگر نیز به‌جز استعمال قوم به‌عنوان ظرف و واحد سیاسی رویکرد و محتوای مشارکت طلبانه سیاسی و اجتماعی نیز دیده می‌شود (هود: ۸۵؛ الأنفال: ۵۳؛ فتح: ۱۶؛ زحرف: ۵۴).

در آیه ۸۵ اعراف: «وَالِی مَدَیْنٍ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَیْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَیْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ قَآؤُفُوا الْكَیْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» خطاب مشارکت خواهانه سیاسی اجتماعی آیه تا حدودی آشکار است. البته برخی مواردش مشارکت عام یا اجتماعی است و برخی مواردش مانند «يَا قَوْمِ... وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» واجد معنا و قضیه سیاسی می‌تواند باشد. خطاب‌های قرآن در این مفهوم اغلب مشارکت‌طلبانه و دعوت به شرکت در رویداد و مسئله‌ای اجتماعی و سیاسی است.

امت: امت بزرگ‌ترین واحد سیاسی جامعه دینی برای مشارکت سیاسی محسوب می‌شود. این مفهوم ریشه در قرآن دارد و مرکز ثقل سامان سیاست

اسلامی است. درباره امت تحقیقات مختلفی صورت گرفته است (کلاتری، ۱۳۷۵؛ ترکی، ۱۳۶۸؛ جوان آراسته، ۱۳۷۹؛ زارعی، ۱۳۹۰، قاسمی، ۱۳۸۹؛ احمدی؛ ۱۳۸۸). از نظر لفظی به معنای قوم، تیره، عشیره، ملت یا جامعه مذهبی تحت لوای یک پیامبر است. امت از ریشه «ا م م» به معنای قصد و آهنگ است. نیز از واژه ام به معنای مادر ریشه گرفته است و مراد از آن جامعه‌ای با پیوندهای خاص است که در اسلام منظور پیوندی دینی است.

امت در قرآن ۶۵ بار به کار رفته است که ۵۰ بار به صورت مفرد (امه یا امتکم) و ۱۳ بار به صورت جمع (امم) آمده است. علی شریعتی امت را جامعه انسانی می‌داند که همه افراد آن در یک هدف مشترک گرد هم آمده‌اند تا بر اساس رهبری مشترک به سوی ایده آل خود حرکت کنند (شریعتی ۱۳۸۶: ۳۴۲). یکی از اساسی‌ترین مسائل در اسلام آن است که دوره اسلامی نه با تولد پیامبر و نه اولین نزول است، بلکه آغاز دوره اسلامی و مبدأ آن از هجرت است که در پرتوان مسلمانان اعتقاد به خداوند یگانه را بر پیوندهای قبیلگی و خویشاوندی ترجیح دادند.

قرآن از امت برای اشاره به مفاهیم و مصادیق متعددی بهره برده است (ارسطا و نیکونهاد، ۱۳۹۳: ۴۵)، مانند قوم یا ملت، گروهی درون اجتماع بزرگ‌تر، یا گروهی از انسان‌ها یا جماعت، آمده است. از این مجموعه آیات چندین آیه بر امت واحد دلالت دارد. برخی آیاتی که واجد واژه امت است عبارت‌اند از: بقره: ۱۲۸، ۲۱۳، ۱۴۳؛ آل عمران: ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۳؛ نحل: ۳۶، ۹۲؛ حج: ۶۷؛ زخرف: ۳۳؛ یونس: ۱۹؛ هود: ۱۱۸؛ مائده: ۴۸، ۳۳، انعام: ۳۸؛ انبیا: ۹۲؛ اعراف: ۱۸۱؛ مؤمنون: ۵۲. از مهم‌ترین آیات دلالت‌کننده بر ماهیت سیاسی و مشارکت طلبانه واژه امت آیات ۲۱۳ بقره؛ ۱۰۴ و ۱۱۰ آل عمران است. به‌طور نمونه آیه ۱۰۴ آل عمران: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» همان‌گونه که برخی پژوهشگران گفته‌اند (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۹۹) دلالتی تام بر حفظ اتحاد امت و جامعه اسلامی دارد؛ زیرا آیه در سیاق «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» قرار گرفته که با فرایند شناسی ساختار زبانی «تجرید»^۱ و

۱- صنعت ادبی تجرید یکی از آرایه‌های معنوی دانش بدیع است. شیوه‌های گوناگون تجرید با واسطه حرف جر من، فی بابی واسطه حرف، با کنایه و خطاب با نفس را شناسانده‌اند. تجرید در معنای خاص و به‌عنوان اصطلاحی در دانش بدیع است که از موصوفی، موصوفی دیگر متصف به صفت موصوف نخستین انتزاع کنند و بدین‌سان، بر قوت و شدت اتصاف موصوف نخستین به صفت مشترک تأکید ورزند و در این اتصاف مبالغه نمایند (خطیب قزوینی، ۱۴۰۵ ق، ۱: ۳۷۴، تفتازانی، بی‌تا، ۱: ۴۳۲).

واکاوی مفهوم «امت»، می‌توان تفسیری منسجم از متن نمایان کرد و در مجموع به دست می‌آید که بر پایه‌ی اینکه مصداق کلان معروف، «حفظ اتحاد امت و جامعه اسلامی» و مهم‌ترین مصداق منکر، «تضعیف امت و نظام اسلامی است». برخی از آیات قرآن خطاب به پیامبران الهی است که آنان را به تشکیل امت واحده فراخوانده است (انبیاء: ۹۲) پاره‌ای دیگر از آیات دلالت بر وحدت اولیه جوامع و اختلاف ثانویه آنان دارد (بقره: ۲۱۳؛ یونس: ۱۹ و زخرف: ۳۳).

امت در مفهوم اسلامی نفی گروه‌گرایی، قبیله‌گرایی و اثبات جهانی بودن اسلام است. وجه نمادین اشتراک در امت قبله، یکپارچگی حج، عزم و اراده جهاد و تبعیت از امام است. ایزوتسو بر آن است که کلمه امت کلیدی برای هر چیزی است که به فرهنگ اسلامی ارتباط پیدا می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۹۶). اسپوزیتو (John Esposito) در کتاب *اسلام و سیاست* بر آن است که امت تنها یک جامعه ساده معنوی نیست بلکه بیشتر جنبه دولت آن مطرح است (Esposito, ۱۹۷۸: ۷۹) و در ارتباط با مفهوم امت مفاهیم دارالاسلام، دار الکفر، دارالحرب، دارالایمان، دار البغی، دارالرده، دارالذمه، دار الهدنه، دار الامان و... قرار دارد که البته مهم‌ترین مفهوم دارالاسلام است که قلمرو امت را مشخص می‌سازد و البته تعاریف متعددی یافته است. برخی برآنند که محدوده دارالاسلام تا جایی است که در آن احکام اسلام نافذ باشند و کافری نباشد، مگر این که پیمان بسته باشد (شاهد اول، ۱۴۱۲ ق: ۷۸). البته دیدگاه‌های مختلفی در این باره وجود دارد. بدین ترتیب واضح است که امت یکی از پرسامدترین واژگان نسبت به مشارکت سیاسی است. چه زمانی که مخاطب خطاب رسولان‌اند و چه هنگامی که مردم مخاطب‌اند.

اهل قریه: یکی دیگر از واحدهای سیاسی که در برخی موارد واجد بار مشارکت است خطاب اهل قریه یا اهل قری است. واژه «قریه»، ۶۰ بار در شکل‌های معرفه، نکره، مفرد، تثنیه و جمع دیده می‌شود. قریه در لغت به معنای روستا است و قری جمع آن است. در قرآن اهل قریه چهار بار به کاررفته است (کهف: ۷۷؛ عنکبوت: ۳۱؛ عنکبوت: ۳۴؛ یس: ۱۳).

البته چندان با مفهوم مشارکت سیاسی هم‌بسته نیست. گاه صرفاً لفظ قریه آمده و منظور اهل قریه است. به‌طور نمونه به دو موردی که با مفهوم مشارکت ارتباط بیشتری دارد ذکر می‌گردد: آیه ۱۶ اسرا که استدلال بدان این گونه است که بر اساس تفاسیر گرچه خداوند اهالی قریه را امر به مشارکت در ایمان و عمل

صالح می‌نماید، اما با سرپیچی و فسق رؤسا و اشراف مردمان نیز از آنان تبعیت کرده و در افعال آنان مشارکت نموده و در نتیجه موجب نزول عذاب می‌شود. در اینجا مشارکت منفی و قهقرایی اهل قریه در فسق و تبعیت از سردمداران فاسق می‌تواند شاهد مثال باشد. نمونه دیگر آیه ۱۲۳ انعام است که همانند آیه قبل به مشارکت بزرگان و رهبران سیاسی قریه در به گمراهی کشاندن قریه و اهالی و فریب آن‌ها از سویی و تبعیت و مشارکت اهل قریه در اعمال آنان از سوی دیگر حکایت دارد که موجب ایجاد انواع فساد می‌گردد.

در قرآن چهار بار هم کلمه «اهل القری» آمده است که بیشترین مفهوم مشارکت سیاسی در خطاب اهل القری است، اما از آن میان آیه ۷ حشر که واجد مفهومی سیاسی است ارتباط بیشتری با مشارکت سیاسی دارد. آیه ۷ حشر که مربوط به نحوه تصرف در اموال اهل قری که فیء نام دارد و نحوه مشارکت رهبری سیاسی و اصناف مؤمنان در آن را مشخص می‌سازد. فیء اموالی است که بدون جنگ و با صلح به دست مسلمانان می‌افتد و متعلق به پیامبر اسلام (ص) و جزء شئون حکومتی و ولایتی پیامبر و حکومت اسلامی است؛ از این رو در این آیه اصطلاح اهل قریه به کاررفته و دلالتی بر مشارکت سیاسی اقتصادی اصناف مردم و رهبری سیاسی را به دست می‌دهد.

این آیه و آیه ۶ همین سوره ناظر به داستان شکست یهود بنی‌نضیر است که پس از خروج آنان از مدینه، باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی و خانه‌ها و قسمتی از اموالشان در مدینه باقی ماند و مسلمانان در اندیشه تقسیم آن‌ها بر اساس سنت جاهلی بودند که این آیه [آیه فیء] نازل شد و با صراحت بیان کرد که چون برای این اموال، جنگی نشده است و مسلمانان زحمتی نکشیده‌اند، تمام آن به رسول خدا (رئیس حکومت اسلامی) تعلق دارد و او هر طور صلاح بداند میان موارد مصرف و اصناف مؤمنان یعنی خویشاوندان نزدیک [وی] یتیمان، بینویان و در راه ماندگان تقسیم می‌کند و از آنجایی که شخص پیامبر (ص) مدافع و حافظ حقوق نیازمندان است، قسمت عمده را برای آنان صرف می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۳: ۵۰۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۹: ۲۰۸).

اهل المدینه: در قرآن، واژه «مدینه» ۱۴ بار، آن‌هم با «آل» تعریف، یعنی به صورت «المدینه» به کاررفته است و برخی در ارتباط با موضوعات سیاسی و منطبق با بحث مشارکت سیاسی و نحوه مواجهه با مشارکت در امور جامعه به شکل مثبت یا منفی است.

آیاتی مانند ۱۰۹ توبه: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ»؛ این آیه که در بردارنده اصطلاح اهل‌المدینه است با اشاره به مشارکت سیاسی و حمایت مردمان مدینه و اطراف آن در حکومت رسول خدا و رنج‌های متعددی که در جهت مقابله با کفار تحمل می‌کردند آنان را تشویق و تحریص بر افزایش کمی و کیفی این مشارکت کرده و از سرپیچی و تخلف از اوامر پیامبر بر حذر می‌دارد.

جامعه ایمانی (یا ایها الذین آمنوا): یکی دیگر از واحدهای مشارکت سیاسی در قرآن جامعه ایمانی و با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» است. این عبارت بیش از ۸۰ بار در قرآن تکرار شده است. این خطاب واجد بسامد بالای کمی و کیفی نسبت به مشارکت اجتماعی و سیاسی است. این عبارت در آیاتی است که در «مدینه» نازل شده و در آیات مکی اثری از آن نیست که نشان‌دهنده دلالت‌های سیاسی و اجتماعی به‌ویژه در مشارکت جمعی است.

همانند آیاتی که با چنین خطابی مؤمنان را به مشارکت همگانی در اطاعت خدا و رسول به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی اجتماعی فرامی‌خواند: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» (نسا: ۵۹) یا آیاتی که به مشارکت همگانی در ایفای تعهدات و مسئولیت‌ها و عقود می‌طلبید: «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود» (مائده: ۱) یا آیاتی که جامعه اسلامی را به سه خصلت «صبر»، «مصابره» و «مرابطه» و اتحاد و پیوستن نیروها در سطوح اجتماعی و سیاسی سفارش می‌کند: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و زابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (آل عمران: ۲۰۰) یا آیاتی که اقامه قسط و عدل در جامعه دستور می‌دهد: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط» (نسا: ۱۳۵) «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمکم شأن قوم علیاً لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله» (مائده: ۸) یا آیاتی که به همراهی و حمایت پیامبر و دولت نبوی در مقابله و مقاتله با دشمنان دستور می‌دهد (توبه: ۱۲۳) یا به دوری از کسالت و بهانه‌آوری و جهاد و قتال با دشمنان عنود فرمان می‌راند (توبه: ۳۸).

جامعه انسانی (ایها الناس): واحد دیگری از مشارکت سیاسی در قرآن خطاب به جامعه انسانی با عناوینی چون یا ایها الناس است که دایره فراخ‌تری از امت دارد و ۲۱ بار در قرآن تکرار شده است و انسان‌ها را به مشارکت در امور انسانی و تعالی جامعه انسانی از جمله در امور سیاسی فراخوانده است. بارزترین نمونه آن آیه ۱۳ سوره حجرات است: «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و

جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ این آیه به‌طور ویژه اراده تکوینی خداوند در مشارکت مردم در امور سیاسی و دنیوی را نشان می‌دهد.

نیز در قرآن ۲ مرتبه خطاب «یا ایها الانسان» (الانفطار: ۶؛ الانشاق: ۶) آمده و ۷ بار بنی آدم (اعراف: ۲۶ و ۱۷۲ اسرا: ۷۰؛ یس: ۶۰) خطاب به انسان ذکر شده است. یکی از مهم‌ترین آیات سیاسی آن که ناظر بر مشارکت سیاسی هم است آیه ۳۵ اعراف است: «يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ ای فرزندان آدم، هرگاه پیامبرانی از خود شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، کسانی که پرهیزگاری کنند و به صلاح آیند بیمی بر آنها نیست و خود غمگین نمی‌شوند؛ که به مشارکت و همراهی مردم با دعوت انبیا فرامی‌خواند.

ب) واکاوی سطوح مشارکت سیاسی در قرآن

۱. مشارکت سیاسی توده‌های مردم: در قرآن عموم خطابات یکی از دلایل مشارکت سیاسی توده‌های مردم می‌تواند تلقی شود. در این آیات خطاب قرآن به عموم مردم است و از آنان کنش سیاسی و مشارکت سیاسی طلبیده می‌شود و رکن رکین و اساسی مشارکت سیاسی تلقی می‌گردند. در قرآن خطاب یا ایهاالناس ۲۱ بار تکرار شده است. خطاب مشارکت طلبانه یا ایها الذین امنوا ۸۹ بار؛ و خطاب «یا قوم» ۵۰ مرتبه؛ آمده است. برخی آیات خطاب‌های عمومی با این الفاظ عبارت‌اند از: آل عمران: ۱۱۸، ۱۴۹؛ انفال: ۲۰. برخی خطاب‌های نیز بدون الفاظ خاص، اما با ضمیر جمع است که مورد خطاب عموم مردم یا مؤمنین هستند؛ مانند بقره ۱۹۰، آل عمران: ۱۰۴؛ انفال: ۶۰؛ بقره: ۱۰. آیه دیگری از قرآن که دلالت بر مشارکت اجتماعی سیاسی دارد آیه ۲ سوره مائده است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» عموم آیه که همکاری و همبستگی را در امور خیر لازم و در امور شرورانه منهی می‌داند شامل امور سیاسی نیز می‌گردد و بر آن نیز انطباق دارد.

بر این پایه آیاتی که مخاطب آن مؤمنان و مردم هستند و مردم را به انجام کارهایی می‌خوانند که آنها نمی‌توانند بدون سازمان تشکیلاتی انجام دهند و انجام بی‌قاعده آن موجب خسران و خطر خواهد بود و انجام این امور نیاز به مشارکت در امور اجتماعی و نظام حکومتی دارد از این زمره است. در این آیات حوزه گسترده تکالیف اجتماعی وجود دارد که قاعدتاً ملازم با تشکل و عهده‌داری

دولت است؛ یعنی از یک سو آیات خطاب به مردم است و از سوی دیگر جنس کارهایی است که نیاز به سازمان سیاسی دارد. از آنجا که آیاتی که متضمن تکالیف اجتماعی و لزوم اقامه عبادات از سوی مردم است نشان‌گر اثر تکوینی افراد در پیدایش اجتماع است. پس برای اداره آن نیز حق دخالت داشته و خداوند آن اثر تکوینی را در مقام تشریح ضایع نگذارده است.

بر این اساس دین یک روش اجتماعی است که خداوند آن را بر عهده مردم قرار داده است و خدا چنین خواسته است که افراد همه باهم و به‌طور دسته‌جمعی اقامه دین کنند. چون اجتماع از افراد تشکیل شده، اداره آن نیز باید به عهده خود آن‌ها باشد و هیچ فردی در این باره بر دیگری مزیت و تقدم ندارد. چنان که علامه طباطبایی بر این نگاه است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۳: ۳۰۶)؛ بنابراین از مجموع آیات متضمن تکالیف اجتماعی مردم برمی‌آید که تشکیل حکومت به‌عنوان مقدمه واجب بر عموم مسلمانان لازم است. به همین دلیل در صورتی که مردم برای انجام تکالیف واجب اجتماعی خود در صدد تشکیل دولت باشند حق دارند که فرد واجد شرایطی را به‌عنوان حاکم انتخاب نمایند. مگر آن که نص خاص وجود داشته باشد؛ زیرا منطقی و معقول نیست که مردم به تکالیف اجتماعی از سوی شارع مکلف باشند، اما هیچ‌گونه حق دخالت و اظهار نظر جهت ایجاد مقدمات و فراهم آوردن زمینه‌های انجام آن تکالیف را نداشته باشند. برخی آیات خطابات عمومی عبارت‌اند از:

۱. آیات مربوط به اجرای حدود و قصاص مانند: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده: ۳۸)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ» (بقره: ۱۷۸)؛ «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲) که در اینجا نیز خطاب مسلمانان و مؤمنین قرار داده شده‌اند؛ در حالی که بدیهی است که حکومت است که می‌تواند به این امور قیام کند. اجرای این امور نیازمند گروه ویژه‌ای است که وقت خود را برای این کار بگذارند و دارای قدرت متمرکز و لوازم ویژه‌ای در جهت انجام این امور باشند. پس جامعه‌ی اسلامی باید دولتی مقتدر تشکیل دهد و انجام این امور را به آنان واگذار کند. همان‌طور که برخی اشاره کرده‌اند (منتظری، ۱۴۰۸، ق، ۱: ۵۰).

۲. آیه «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) که لام برای امر و من برای تبعیض و وجوب کفایی است همان‌گونه که اکثر تفاسیر گفته‌اند؛ و در صورتی که من به الکفایه نباشد

یا از عهده آن‌ها خارج باشد عینی می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که آیه خطاب به عموم مردم است و مشارکت در امر سیاسی و اجتماعی را از آنان یا برخی از آنان می‌طلبد.

۳. آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا اللَّهَ وَعَدُوَّهُمْ» (انفال: ۶۰) مخاطب در این آیه نیز عموم مردم و جامعه است و خداوند این تکلیف و حق توأمان را بر عهده آنان قرار داده است. بر این اساس معنای آیه عام است و خطاب آیه به عموم مردم است که دلالت بر حجیت مشارکت سیاسی آنان دارد. اکثر مفسران این آیه را به جمع‌آوری قدرت‌های مادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی معنا کرده‌اند؛ یعنی آیه را به‌طور عام تفسیر نموده و ظهور آن را سازوبرگ نظامی دانسته‌اند که منحصرأ به کارگیری و تدارک آن تنها بر عهده حکومت است. از آیه لزوم مشارکت سیاسی در امور جامعه دینی و نظام دینی به‌منظور اعتلای آن و قدرتمندی جامعه ایمانی و اسلامی و توان حرکت به سمت جلو و پیشرفت دانسته می‌شود.

۴. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۰) در این آیه شریفه نیز امر به قتال و عدم تعدی از حدود آن است که باز مسلم است این امر جز با مشارکت سیاسی در جامعه دینی که هم در عصر غیبت رهبری و حکومت را در برمی‌گیرد و هم سازوکارهای آن را شامل می‌شود، امکان‌پذیر نیست. در این آیه نیز مردم خطاب آیه قرار گرفته‌اند و آن‌ها موظف شده‌اند. در این آیات کل جامعه‌ی اسلامی موظف به اقامه و انجام این امور مانند جهاد و غیره شده‌اند. آنان باید دست به این اقدامات بزنند و برای انجام آن‌ها تشکیل دولت و تأسیسات مربوط بدان با لحاظ شرایط دینی لازم است. پس از تشکیل دولت و انتخاب حاکم و حاکمان اداره و پیشبرد آن نیز بر عهده‌ی ملت، اما ذیل قواعد خاص و عام الهی و مشروط بدان است. چنان‌که مفاهیم القرآن به این آیه و آیات شبیه آن برای اثبات سیادت مردم بر خود و واگذاری انتخاب حاکم بر اساس ضوابط شرعی در فقدان نص به آنان استناد می‌کند (سبحانی، ۱۴۲۷، ق، ۲: ۲۰۲).

۵. از دیگر آیاتی که به‌وضوح دلالت عمومی دارد و کنش سیاسی مشارکتی را به‌صورت فعال از جامعه می‌طلبد می‌توان به این دو آیه اشاره نمود که برخی اقامه قسط را از مردم طلب کرده‌اند: آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ» (نسا: ۱۳۵) و آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵) در این دو نیز به‌صراحت

جماعت مؤمنان و عموم مردم خطاب آیه برای مشارکت سیاسی در برپایی قسط قرار گرفته‌اند. سبحانی (سبحانی، ۱۴۲۷ ق، ۲: ۱۹۰-۱۷۹) نیز به خطابات قرآنی بر این مسئله استدلال کرده است. وی بر آن است که وحدت مسلمین و اجرای احکام اسلامی بدون حکومت امکان‌پذیر نیست و خطابات قرآنی دلیل بر این مسئله است؛ از این رو وظیفهٔ مسلمانان تشکیل حکومت اسلامی و تأیید و تقویت آن است.

بر این اساس این آیات دارای خطاب عام در موضوعی سیاسی است که صراحت بیشتر در مشارکت حداکثری دارد. در واقع تمامی آیاتی که متعرض مسئله اقامه‌ی عبادات و قیام به امر جهاد در اجرای حدود و قصاص و غیره است خطاب‌هایش متوجه عموم مؤمنین و نه فقط رسول خدا (ص) است. از این مسئله استفاده می‌شود که دین صبغه و روش اجتماعی است که خدای تعالی مردم را به قبول آن وادار نموده چون کفر را برای بندگان خود نمی‌پسندد و اقامه‌ی دین را از عموم مردم خواسته است. بر این اساس مجتمعی که از مردم تشکیل می‌یابد اختیارش هم به دست ایشان است. بدون این که اصالتاً بعضی به بعضی دیگر مزیت داشته باشند یا زمام اختیار به بعضی از مردم اختصاص داشته باشد و از رسول خدا گرفته تا پایین همه در مسئولیت امور جامعه برابرند. بر این نکته المیزان صراحت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۵: ۳۲۹) البته این به معنای آن است که خداوند قاعده کلی را چنین قرار داده است و هرگاه با نص خاص مانند معصوم یا عام فقیه روبرو باشیم این عام تخصیص می‌خورد اما بردار نگاه چنین است.

مشارکت سیاسی نخبگان سیاسی: یکی از انواع مشارکت سیاسی، مشارکت سیاسی نخبگان است. امروزه نیز نظریات سیاسی معطوف به نقش نخبگان در نظام سیاسی یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین نظریه‌های سیاسی است که از آن تعبیر به چرخش نخبگان می‌شود. در هر حال بخش عمده‌ای از بازیگران سیاسی نخبگان جامعه به‌ویژه نخبگان سیاسی‌اند. این نخبگان هم به شکل فردی و هم جمعی در عرصه سیاست امکان تأثیرگذاری دارند.

در قرآن کریم نیز کنش سیاسی مشارکت‌جویانه نخبگان هم به صورت جمعی و هم به شکل فردی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. البته پیامبران نخستین و مهم‌ترین مخاطب در مشارکت سیاسی جامعه به‌عنوان نخبگان جامعه هستند که طبیعی است در صدر حاملان و مخاطبان‌اند. حضرت داود و حضرت سلیمان

علیهماالسلام از دیگر نمونه‌های برجسته مشارکت سیاسی در قرآن هستند. ۱۶ بار نام داود و ۱۷ بار نام سلیمان در قرآن کریم ذکر شده است. در بسیاری از آیات نیز نام این دو در کنار هم آمده است. از این رو خطاب به آنان را فرض گرفته و به ذکر آن نمی‌پردازیم بلکه مراتب پس از آن‌ها را یادآور می‌شویم.

کنش سیاسی جمعی نخبگان: مهم‌ترین و صریح‌ترین واژه‌ای در قرآن که می‌توان از آن کنش سیاسی جمعی نخبگان را برداشت نمود واژه ملاً است. ملاً از ملء به معنای پر شدن و پر کردن است (قرشی، ۱۳۷۱، ۶: ۲۷۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۱: ۱۵۴). امکان پر کردن خلأهای سیاسی یا پر کردن و تسخیر چشم و دل مردم به‌واسطه جلال و جبروت علت این نام‌گذاری است (راغب، ۱۴۰۴ ق: ۷۷۶)، اما در اصطلاح به نخبگان و اشراف گفته می‌شود. در واقع ملاً جماعت شکل یافته و منسجمی است که در امور سیاسی و حکومتی مشارکت سیاسی داشته و با یکدیگر به رایزنی و مشورت و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌پردازند چنان‌که برخی بدین نکته اشاره کرده‌اند (طریحی، ۱۴۱۶ ق، ۱: ۳۹۶).

بسیاری ملاً را از اساس و پایه مفهومی منفی در قرآن انگاشته‌اند درحالی‌که ملاً در قرآن به معنای نخبگان تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر سیاسی در هر حکومتی است. از این رو در قرآن هم به اطرافیان و نخبگان سیاسی فرعون (اعراف: ۱۰۳؛ اعراف: ۱۰۹، ۱۲۷؛ یونس: ۷۵، ۸۳، ۸۸) اطلاق شده است و هم به نخبگان سیاسی و حکومتی اطراف حضرت سلیمان نبی (ع) (نمل: ۳۸)؛ از این رو مشارکت سیاسی نخبگان سیاسی امری پذیرفته‌شده و قابل‌اعتناست. بدین جهت است که در قرآن این گروه تأثیرگذار و پرنفوذ تلقی شده و مورد خطاب قرار می‌گیرند و ابتدا دعوت الهی از آنان که رهبران سیاسی جامعه‌اند آغاز می‌گردد. این نکته در آیات متعددی از قرآن مورد تصریح است؛ مانند یونس: ۷۵؛ هود: ۹۷؛ مؤمنون: ۴۶.

البته در قرآن این نخبگان که یا نخبگان حکومتی و دولتی‌اند (یونس: ۸۳، ۸۸؛ یوسف: ۴۳) یا نخبگان قومی و قبیله‌ای (بقره: ۲۴۶؛ اعراف: ۶۰؛ اعراف: ۶۶، ۷۵، ۸۸، ۹۰؛ هود: ۲۷، ۳۸؛ مؤمنون: ۲۴، ۳۳). از آنجا که عموماً مخاطب پیامبران در ایمان آوردند و در مقابل دعوت الهی مقاومت می‌کنند، دارای صفات منفی مانند استعلا و استکبار هستند، اما این صفات منفی ذاتی نخبگان نیست. چراکه نخبگان قابل‌تقسیم بندی‌اند. نخبگان اطراف سلیمان دارای کنش سیاسی مثبت و نخبگان اطراف فرعون دارای کنش سیاسی منفی و نخبگان اطراف بلقیس (نمل: ۲۹، ۳۲) دارای کنش سیاسی خاکستری‌اند. بر این اساس نخبگان یکی از

واحدها و ارکان اصلی مشارکت سیاسی اند که امکان حذف و بی‌توجهی بدانان وجود ندارد و برای هر نوع حرکت و اصلاح سیاسی در جامعه ایجاد تحرک و اصلاح در آنان امری محتوم است.

کنش فردی نخبگان سیاسی: قرآن به‌جز کنش جمعی به کنش فردی نخبگان نیز توجه دارد. این نخبگان فردی نیز هم چهره‌های مثبت و هم چهره‌های منفی را در برمی‌گیرد، اما وجه مشترک آنان مشارکت سیاسی و نفوذ سیاسی آنان در جامعه و حرکت‌های سیاسی است. علاوه بر پیامبران الهی که سرآمدان کنش سیاسی مشارکت جویانه اصلاحی‌اند شخصیت‌هایی از مردان و زنان در قرآن بررسی شده‌اند؛ مانند بلقیس، آسیه، مریم، یا مؤمن آل‌فرعون، طالوت، داود، ذوالقرنین. در جبهه مقابل نیز به‌جز رهبران شرک و ظلم به نخبگان سیاسی نظیر هامان، پسر نوح، اشاره شده است.

در قرآن حکایت بلقیس ملکه سبا به‌نوعی مثبت گزارش شده است یا حداقل واجد نکته منفی از مشارکت سیاسی در آن دیده نمی‌شود. آیات متعددی به حکایت وی اختصاص داده شده است و از تدبیر، عقلانیت و تسلیم وی در برابر سلیمان به‌نوعی تمجید شده است (۲۳ نمل، ۲۹).

نمونه دیگر مشارکت سیاسی انفرادی نخبگان که در قرآن وجهه‌ای مثبت داشته و به‌عنوان الگویی از مشارکت سیاسی حق‌مدارانه معرفی شده، آسیه همسر فرعون است که از جایگاه سیاسی بالایی در هرم قدرت مصر یعنی جایگاه ملکه برخوردار بود، اما او با تمام توان در جهت تقویت موسی و اصلاحات اجتماعی سیاسی او و تضعیف نظام سیاسی نامشروع کوشید. وی به‌عنوان ملکه و همسر فرعون با جایگاه ویژه، کنش سیاسی مشارکت جویانه در حمایت و پشتیبانی از قیام و آموزه‌های موسی داشت و با دخالت در فرایندهای سیاسی در مقابل نظام سیاسی نامشروع بی‌باکانه ایستادگی کرد و در این راه شکنجه شد و جان خود را تقدیم کرد. از این رو قرآن در آیه ۱۱ سوره ممتحنه به مشارکت سیاسی و مقاومت فعالانه و مؤمنانه او اشاره کرده و آن را ستوده و وی را الگوی تمامی مؤمنان معرفی می‌کند: «وَضْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».

نمونه دیگر مؤمن آل فرعون است که خود از نخبگان سیاسی حکومت محسوب می‌شود، اما کنش سیاسی مشارکتی مبتنی بر حق دارد و موسی را در مراحل گوناگون یاری می‌دهد. یک‌بار پیش از بعثت موسی که خبری سری از درون

تشکیلات فرعون مبنی بر تصمیم فرعونیان برای قتل موسی می‌دهد و او را نجات می‌دهد (قصص: ۲۰). بار دیگر نیز پس از بعثت موسی که در مقام کارگزار دولت فرعون به احتجاج با آن‌ها پرداخته و رفتارهایشان را در مقابل موسی شماتت می‌کند (غافر: ۳۱، ۳۰).

طلوت نمونه دیگری از مشارکت سیاسی فردی نخبگان در سرنوشت جامعه است. او که به تعبیر قرآن از توانایی لازم علمی و جسمی برخوردار بود در کشاکش جریان‌ات سیاسی از سوی پیامبر وقت به فرماندهی و ریاست اجرایی برای تدبیر امور بنی اسرائیل و مقابله با دشمنان برگزیده می‌شود و او نیز این کار مهم را به درستی به انجام می‌رساند. در دو آیه از قرآن به نام طلوت و داستان سیاسی او اشاره شده است (بقره: ۲۴۷، ۲۴۹).

نمونه دیگر ذوالقرنین است که قرآن در آیات ۸۳ تا ۹۸ سوره کهف به بیان داستان او می‌پردازد. وی بر اساس روایتی که قرآن دارد به ایفای نقش و مشارکت در رهبری سیاسی جهان پرداخته و به تدبیر امور سیاسی اقدام می‌کند. قرآن وی را ستوده و وی را موحدی والامقام و سیاست‌مداری قدرتمند معرفی می‌کند که به اصلاح سیاست جهانی و آبادانی آن همت کرده است. در کیستی او میان مفسران اختلاف است. بسیاری وی را اسکندر انگاشته‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ۳: ۲۹۱؛ سمرقندی، بی تا، ۲: ۳۵۹)؛ پاره‌ای کوروش یا فریدون (قرشی، ۱۳۷۱، ۶: ۲۷۴؛ بلاغی، ۱۳۸۶ ق، ۱: ۴۶۸؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۲: ۱۷۱؛ نجفی، ۱۳۹۸ ق، ۱۱: ۲۰؛ عاملی، ۱۳۶۰، ۶: ۳۱؛ مکارم، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۴۳؛ صادقی، ۱۳۶۵، ۱۸: ۱۸۰؛ طباطبایی، بی تا، ۱۳: ۳۹۱-۳۹۵) و گروهی غیرازاین دو (ابن عاشور، بی تا، ۱۵: ۱۲۴؛ طنطاوی، بی تا، ۸: ۵۶۹) پنداشته‌اند گرچه روایت کوروش پذیرفتنی‌تر می‌نماید، اما از نخبگانی که دارای مشارکت سیاسی منفی در روند تاریخ بوده‌اند می‌توان به هامان اشاره کرد که در چندین آیه قرآن به نام او اشاره شده است (قصص: ۳۸، ۶، ۸، ۳۹؛ غافر: ۲۴، ۳۶) و وی در گسترش قدرت و جلال فرعون نقش اصلی و برجسته‌ای داشته است. فرد دیگر قارون است (قصص: ۷۶، ۷۹؛ عنکبوت: ۳۹؛ غافر: ۲۴) که از سرمایه‌داران بنی اسرائیل بوده است. هم‌چنین ابولهب، (مسد: ۱) که نقش برجسته‌ای در مخالفت با رسالت پیامبر داشته است. پسر نوح (هود: ۴۲، ۴۵، ۴۶) و زن ابولهب (مسد: ۴، ۵) از دیگر نخبگان دارای کنش سیاسی مشارکت جویانه در جبهه باطل و دارای نقش منفی در قرآن هستند.

مشارکت سیاسی گروه‌ها و احزاب: سطح دیگری از مشارکت سیاسی،

مشارکت سیاسی احزاب و تشکل‌هاست. البته در قرآن نمی‌توان به دنبال عین امروزین مشارکت سیاسی بود یا بر اساس صرف الفاظ در پی دست‌یابی بدان نفیاً و اثباتاً بود، اما می‌توان بر اساس معانی و الفاظ ظرفیت‌سنجی نمود.

در قرآن می‌توان سه واژه فئه، احزاب و ملأ را در عنوان تشکل‌ها و احزاب رتبه‌بندی کرد. در واقع قرآن با طرح این سه واژه خاص به گروه‌های سامان‌یافته و قوام‌یافته و دارای یکپارچگی نسبی با اهداف معین اشاره کرده است. فئه یکی از این مفاهیم است که در قرآن دلالت بر گروهی سازمان‌یافته و متشکل دارد. این گروه سازمان‌یافته می‌تواند در جبهه حق باشد یا در جبهه باطل قرار داشته باشد. البته استعمال بیشتر موارد به جبهه مخالف و دشمن اشاره دارد، اما مواردی نیز به جمع متشکل حق دلالت دارد؛ که در این موارد مطلوبیت مشارکت سیاسی را می‌رساند. آیات ذیل آیتی است که در آن‌ها واژه فئه به کاررفته و همان‌گونه که قابل رصد است دلالت بر جمعی متشکل و سازماندهی شده دارد. در برخی آیات به نیروی متشکل و منسجم خودی و در جبهه حق در مقابل نیروی متشکل و منسجم دشمن و در جبهه باطل اشاره می‌کند که شاهد مثال اصلی ماست؛ مانند آیه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۹۴۲) و آیه: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران: ۱۱۳). موارد متعددی نیز صرفاً به نیروی متشکل و منسجم دشمن اشاره دارد که گرچه شاهد مثال اصلی ما نیست، اما توصیف‌کننده سامان‌یافتگی و انسجام صفوف مقابل حق است؛ مانند آیات انفال: ۴۵، ۱۶، قصص: ۸۱؛ کهف: ۴۳.

واژه دیگر حزب و احزاب است. این واژه در قرآن هیچ دلالتی بر احزاب کنونی از حیث محتوا ندارد و نمی‌تواند داشته باشد، اما این واژه نیز نمایان‌گر گروه‌های متشکل و منسجم و متحد است. گرچه از لحاظ مصداقی در قرآن عموماً بر گروه‌های مخالف پیامبر اکرم دلالت می‌کند. قرآن ۷ مرتبه واژه حزب (مائه: ۵۶؛ مؤمنون: ۵۳؛ روم: ۳۲؛ مجادله: ۱۹، ۲۲؛ فاطر: ۶؛ کهف: ۱۲) و ۱۰ بار کلمه احزاب (هود: ۱۷؛ رعد: ۳۶؛ مریم: ۳۷؛ احزاب: ۲۰، ۲۲؛ ص: ۱۱، ۱۳؛ غافر: ۳۰، ۵؛ زخرف: ۶۵) را به کار برده است؛ که مفردش بر هر دو جبهه حق و باطل دلالت دارد، اما جمع آن تنها بر جبهه باطل و نیروی دشمن منطبق است. ملأ واژه دیگری است که در قسم نخبگان طرح گردید و از آنجا که گروه نخبگان خود عموماً گروه‌هایی متشکل اند می‌تواند در اینجا نیز شاهد و مورد توجه قرار گیرد.

۷. نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی در قرآن اگرچه کمتر به شکل مستقیم مورد خطاب است، اما به‌طور غیرمستقیم می‌توان بر اساس تفسیر موضوعی آن را بر پایه برخی مفاهیم و مؤلفه‌های هم‌افق استنتاج نمود. آنچه از بررسی آیات به دست می‌آید آن است که قرآن در تمامی سطوح رویکردی مشارکت طلبانه دارد و زمینه‌ساز تحرک اجتماعی است. از یک‌سو خطابات قرآن به لحاظ کمی (مانند ۲۱ بار یا ایهاالناس؛ ۸۹ بار یا ایها الذین امنوا) و هم به لحاظ کیفی دلالت بر توجه و جایگاه ویژه مشارکت سیاسی-اجتماعی قاطبه توده‌های مردمی در وهله نخست و نخبگان و گروه‌های اجتماعی در تعیین سرنوشت و تحولات اجتماعی سیاسی به‌مثابه هم‌حقی کتمان ناشدنی است. چنان‌که مجموع آیات قرآن نشان می‌دهد اگرچه قرآن نواقص و محدودیت‌های ذات انسانی را به‌خوبی نشان می‌دهد و صرف تمایلات او را موجد معرفت حق نمی‌شناسد، اما سلطه بر او را نیز با رضایت و اراده او مطلوب و مشروع می‌انگارد. از سوی دیگر نگاهی واقع‌بینانه به تحولات تاریخی اجتماعی و نقش اراده انسانی در آن‌ها دارد. آیات مربوط به تعیین سرنوشت و خطابات عمومی و امانت نشان‌دهنده پیش‌فرض قرآن در حق انسان برای سلطه بر خود و واقعیت اجتماعی آن است. کار ویژه‌های مشارکت سیاسی قرآنی موجب کارآمدی نظام سیاسی، قاعده‌مند سازی ورود در آن، تقسیم متوازن و متناسب قدرت، افزایش اعتماد میان دولت و ملت و احقاق حق و انتقال خواست‌های سیاسی به دولت است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

*قرآن کریم.

- ۱- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۶۴)، النجاة، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، مرتضوی.
- ۲- جولوس و کولب، ویلیام؛ (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، مازیار کیا و دیگران، تهران: مازیار.
- ۳- ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، (بی‌تا)، التحرير والتنوير، قاهره: بی‌نا.
- ۴- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر.
- ۵- ایزدهی، سید سجاد، (۱۳۹۶)، مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- ۶- آب‌نیکی، حسن، (۱۳۹۰)، «جهانی‌شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)، جدید (۱۰)، ۱۰۹-۱۳۱.
- ۷- آقا بخشی، علی، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ۸- بلاغی، سید عبدالحجت، (۱۳۸۶ ق)، حجة التفسیر و بلاغ الاکسیر، قم، حکمت.
- ۹- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۰- پای، لوسین، (۱۳۷۰)، «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، شماره ۵ و ۶، سال دوم. نامه فرهنگ پاییز و زمستان. ۳۷ تا ۴۷.
- ۱۱- تفتازانی، مسعود، (بی‌تا)، المطول، قم، مکتبه‌الداوری.
- ۱۲- جلیلی، سید هدایت، (۱۳۷۲)، روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، تهران، انتشارات کویر.
- ۱۳- حکیم، سید محمدباقر، (۱۳۷۸)، علوم قرآنی، ترجمه محمد لسانی فشارکی، تهران، تبیان.
- ۱۴- خطیب قزوینی، محمد، (۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م)، الايضاح فی علوم البلاغه، بیروت، بی‌نا.
- ۱۵- خلوصی، محمدحسین، (۱۳۹۵)، شاخص مشارکت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- ۱۶- راش، مایکل، (۱۳۸۳)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، دفتر نشر.
- ۱۸- رحمانی، ناصر علی، (۱۳۹۴)، راهکارهای فقه سیاسی شیعه برای گسترش مشارکت سیاسی، قم، نشر المصطفی.
- ۱۹- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۷)، مفاهیم القرآن، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- ۲۰- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، (بی‌تا)، بحر العلوم، قاهره: الازهر.
- ۲۱- سید باقری، سید کاظم، (۱۳۹۷)، «حق مشارکت شهروندان و آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ششم، شماره چهاردهم، ۴۱-۶۵.
- ۲۲- صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن با القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.

- ۲۳- صدر، سید محمدباقر، (۱۳۹۹ ق)، *المدرسة القرآنية*، نجف: بی نا.
- ۲۴- طباطبایی، سید محمدحسین، (بی تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۲۵- طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ ق)، *مجمع البحرين*، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- ۲۶- طنطاوی، سید محمد، (بی تا)، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره: بی نا.
- ۲۷- طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
- ۲۸- عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰)، *تفسیر عاملی*، تهران، صدوق.
- ۲۹- عبدالستار، فتح الله، (۱۴۱۸ ق)، *المدخل فی التفسیر الموضوعی*، چاپ سوم، قاهره، دارالتوزیع، نشر الاسلامیه.
- ۳۰- علیخانی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *مشارکت سیاسی*، تهران، سفیر.
- ۳۱- فضل الله، سید محمدحسین، (۱۴۱۹ ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
- ۳۲- فیرحی، داود، (۱۳۷۷)، «مفهوم مشارکت سیاسی» فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره اول. ۳۶ تا ۷۰.
- ۳۳- قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۶)، *سیاست و حکومت در قرآن*، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۳۴- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷) *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بعثت.
- ۳۵- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۳۶- مدرسی، سید محمدتقی، (۱۴۱۹ ق) *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
- ۳۷- مرویان، محمود، (۱۳۸۷)، «روش شناسی تفسیر موضوعی از منظر آیت الله معرفت در معرفت قرآنی: یادنگار آیت الله محمدهادی معرفت (رحمة الله علیه)»، زیر نظر گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه به کوشش: نصیری، علی؛ تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۳۸- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۹- مصفا، نسرین، (۱۳۷۵)، *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۴۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۴۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، *پیام قرآن*، چاپ نهم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۴۲- منتظری، حسین علی، (۱۴۰۸ ق)، *دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه*، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه و دارالفکر.
- ۴۳- نجفی خمینی، محمدجواد، (۱۳۹۸ ق)، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیه.
- ۴۴- یزدانی، حسینعلی، (۱۳۹۷)، «مشارکت سیاسی در آرمان شهر اسلامی از منظر قرآن و روایات»، *مجله معارف اسلامی و علوم سیاسی*، دوره ۲، شماره ۱۶، ۴۸-۷۳.
- 45- Esposito, John, (1987), *Islam and politics*, syracuse university press, second.

REFERENCES

*The Holy Quran.

1. Abdul Sattar, Fathullah, (1418 A.H.), Al-Madkhal fi al-Tafsir al-Mawdhou'i, 3rd edition, Cairo, Dar al-Islamiya publishing house.
2. Abniki, Hasan, (1390), "Globalization and the Challenge of Political Participation in the Islamic Republic of Iran", Theoretical Policy Research (Political Science Research), New (10), 109-131.
3. Agha Bakshi, Ali, (1375), Political Science Culture, Tehran, Iran Scientific Information and Documents Center.
4. Alikhani, Ali-Akbar, (1377), Political Participation, Tehran, Safir.
5. Al-Raghib al-Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1404 AH), Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, (n.p), (s.n).
6. Amili, Ibrahim, (1360), Tafsir Amili, Tehran, Sadouq.
7. Andalousi, Abu Hayyan Muhammad bin Yusuf, (1420 AH), Al-Bahr al-Muhait fi al-Tafsir, research: Sidqi Muhammad Jamil, Beirut, Dar al-Fikr.
8. Baidawi, Abdullah bin Omar, (1418 AH), Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Taawil, research: Muhammad Abdurrahman al-Marashli, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
9. Balaghi, Seyed Abdul Hojat, (1386 AH), Hujjat al-Tafasir wa Balagh al-Iksir, Qom, Hikmat.
10. Esposito, John, (1987), Islam and Politics, Syracuse University Press, Second.
11. Fazlullah, Seyid Muhammad Husein, (1419 AH), Min Wahy Al-Qur'an, Beirut, Dar al-Malak.
12. Firhi, Daoud, (1377), "The Concept of Political Participation", Political Science Quarterly, Year. 1, No. 1, pp. 36 - 70.
13. Ghazizadeh, Kazem, (1386), Politics and Government in the Qur'an, 3rd edition, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute.
14. Hakim, Seyid Muhammad Baqir, (1378), Quranic Sciences, translated by Mohammad Lesani Fesharaki, Tehran, Tibyan.
15. Hulousi, Mohammad Hossein, (1395), Political Participation Index in the Model of Islamic Progress, Qom, Imam Khomeini Research Institute.
16. Ibn Ashour, Muhammad Ibn Tahir, (n.d.), Al-Tahrir wa Al-Tanwir, Cairo: (s.n.).
17. Ibn Sina, Husein bin Abdullah, (1364), Al-Najat, by the efforts of Muhammad Taghi Daneshpajouh, Tehran, Mortazavi.
18. Izdehi, Seyed Sajjad, (1396), Political Participation in Shia Political Jurisprudence, Tehran, Farhang and Andisheh Research Center Publications.
19. Jalili, Seyed Hedayat, (1372), Methodology of Thematic Interpretations of the Qur'an, Tehran, Kavir Publications.
20. Julius and Kolb, William; (1376), Culture of Social Sciences, Maziar Kia et al., Tehran: Maziar.
21. Khatib al-Qazwini, Muhammad, (1405 AH/1985 AD), Al-Idhah fi Uloum al-Balagha, Beirut, (s.n.).
22. Madarresi, Seyyed Mohammad Taqi, (1419 AH) Man Hoda al-Qur'an, Tehran, Dar Mohibbi al-Hussein.
23. Makarem Shirazi, Nasir, (1386), Payam Quran, 9th edition, Tehran, Dar Al-Kutub al-Islamiya.
24. Makarem Shirazi, Nasser, (1374), Tafir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

25. Marvian, Mahmoud, (1387), "Methodology of Thematic Interpretation from the Perspective of Ayatollah Ma'rifat in Quranic Knowledge: the Memorial of Ayatollah Muhammad Hadi Ma'rifat (RA)", under the supervision of the Qur'anic Research Group of the Research Institute: Nasiri, Ali; Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization.
26. Montazeri, Hossein Ali, (1408 A.H.), Studies in Wilayat al-Fiqh and Fiqh al-Dawlah al-Islamiyya, Qom, International Center for Islamic Studies and Dar al-Fikr.
27. Mostafavi, Hasan, (1360), Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an, Tehran, Book Translation and Publishing Company.
28. Musaffa, Nasrin, (1375), Women's Political Participation in Iran, Tehran, Ministry of Foreign Affairs.
29. Najafi Khomeini, Mohammad Javad, (1398 AH), Tafsir Asan, Tehran, Islamia.
30. Pai, Lucin, (1370), "Political Culture and Political Development", translated by Majid Mohammadi, Nameh Farhang, No. 5 and 6, Year 2. Autumn and winter, pp. 37 - 47.
31. Qurashi, Seyyed Ali Akbar, (1371), Qamoos Qur'an, 6th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
32. Qurashi, Seyyed Ali Akbar, (1377) Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran, Be'that.
33. Rahmani, Naser Ali, (1404 AH), Shia Political Jurisprudence Strategies for Expanding Political Participation, Qom, Al-Mustafa Publishing.
34. Rush, Michael, (1383), Society and Politics, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran, Samt.
35. Sadiqi Tehrani, Muhammad, (1365), Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an bil-Qur'an, Qom, Islamic Culture Publications.
36. Sadr, Seyid Muhammad Baqir, (1399 AH), Madrasa al-Qur'aniyah, Najaf: (s.n).
37. Samarqandi, Nasr bin Muhammad bin Ahmad, (n.d.), Bahr al-Uloom, Cairo: Al-Azhar.
38. Seyed Baqiri, Seyed Kazim, (1397), "Citizens' Right to Participation and Political Freedom with an Emphasis on the Holy Quran", Islamic Policy Research, Year. 6, No. 14, pp. 65-41.
39. Sobhani, Jafar, (1427), Concepts of the Qur'an, Qom, Imam Sadiq (AS) Institute.
40. Tabatabaei, Seyed Muhammad Hussein, (n.d.), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Jamia al-Modarresin Publications.
41. Taftazani, Masoud, (n.d.), Al-Mutawwal, Qom, Maktabah al-Davari.
42. Tantawi, Seyid Muhammad, (n.d.), al-Tafsir al-Wasit lil-Qur'an al-Karim, Cairo: (s.n.).
43. Tayyib, Seyid Abdul Husein, (1378), Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Islam Publications.
44. Turaihi, Fakhruddin, (1416 AH), Majma Al-Bahrain, research: Seyyed Ahmad Hosseini, Tehran, 3rd edition, Mortazavi bookstore.
45. Yazdani, Hossein Ali, (1397), "Political Participation in the Islamic Utopia from the Perspective of the Qur'an and Hadiths", Journal of Islamic Studies and Political Sciences, Vol. 2, No. 16, pp. 73-48.